

ریشه‌شناسی تاریخی واژگان، تحلیلی زبان‌شناختی بر واگرایی ریشه‌ای میان «عصو» و «عصی» و همگرایی ریشه‌ای میان «عصی» و «عضّ» در قرآن

فاطمه آگهی

استادیار گروه معارف دانشگاه کوثر بجنورد، ایران

چکیده

ماده ثنائی «عص» نقشی موثر در ساخت برخی از واژگان قرآن کریم ایفا کرده است. از یک سو باید از «عصا» به معنای «چوب دستی» یاد کرد، از دیگر سو با «عصیان» و مشتقات آن (از مفاهیم اساسی حوزه معنایی گناه در قرآن) و طیفی از واژگان همچون «عصف»، «عصر» و «عَصّ» مواجهیم که در مولفه‌های «فشردگی» و «شدت» اشتراک دارند.

بسیاری از لغویان در بحث از «عصی» و «عصا» به ذکر معانی متعدد بسنده کرده‌اند؛ برخی نیز به یافتن نوعی ارتباط میان آن دو گرایش داشته‌اند. این نوشتار بر پایه این دیدگاه که مطالعه پیشینه تاریخی واژگان، ابزاری کارآمد برای تمییز اشتراک لفظی از معنوی است؛ به ریشه‌شناسی ماده «عص» در زبان‌های سامی پرداخته، می‌کوشد ابتدا تبارهای مختلف «عصو» و «عصی» و واگرایی ریشه‌ای آن دو را تایید نماید؛ آن گاه با پی‌جویی در زبان‌های سامی، همگرایی ریشه‌ای میان «عصی» و «عضّ» به معنای «گاز گرفتن و به دندان گرفتن» را در مولفه‌های «فشار» و «شدت» نمایان سازد. بنابر نتایج مشخص شد «عصیان» در تقابل با تبعیت و اطاعت، به معنای مقاومت در برابر امر مافوق است.

کلیدواژه‌ها: معناشناسی تاریخی؛ ریشه‌شناسی؛ اشتراک لفظی؛ عصا؛ عصیان؛ گناه.

مقدمه

از مباحث نظری شایان توجه در واژه پژوهی، مقوله «همنامی»^۱ است. «همنامی» در دانش معناشناسی^۲ بر گونه‌ای خاصی از روابط معنایی اطلاق می‌شود که در آن یک واحد زبانی (واژه) بر چندین معنای مختلف که از نظر مفهومی با یکدیگر ارتباط ندارند، دلالت می‌کند (Saeed, 2009, 64) که طبق قواعد استاندارد معناشناسی، در فرهنگ لغت باید تحت مداخل جداگانه و متفاوت بیایند. زبان‌شناسان، «همنامی» را حاصل دو پدیده تحولات آوایی در واژگان^۳ و وام‌گیری از زبان بیگانه دانسته‌اند. این اصطلاح زبان‌شناختی در سنت مطالعات اسلامی، افزون بر علم لغت، در دانش‌های «منطق» و «اصول فقه» مورد توجه قرار گرفته و از آن با تعبیر «اشتراک لفظی» یاد شده است. (برای نمونه ملاعبدالله یزدی، ۱۴۲۸، ۵۰-۴۹؛ مظفر، بی تا، ۴۸-۴۷؛ آخوندخراسانی، ۱۴۲۷، ۲۰۳/۱؛ صدر، ۱۴۲۸، ۳۱۷/۱-۳۱۸). طبق تعریف لغت‌شناسان، «مشتک لفظی» عبارت است از لفظی واحد که دارای دو یا چند معنای حقیقی (غیرمجازی) باشد؛ به عبارت دیگر، میان معانی متعدد لفظ، ارتباطی یافت نشود و اهل زبان، این معانی متعدد را جدای از هم و در عرض یکدیگر بدانند (سیوطی، بی تا، ۱/۳۶۹؛ مصطفوی، ۱۴۳۰، ۱۰/۱) عالمان مسلمان کوشیده‌اند علل وقوع مشترک لفظی را مورد بررسی قرار دهند (سیوطی، ۱۴۱۸، ۱/۲۹۲-۲۹۳).

دانش معناشناسی افزون بر «همنامی»، به بحث از زوج مقابل آن یعنی «چندمعنایی»^۴ نیز پرداخته و آن را لفظی که دارای دو یا چند معنای مرتبط با هم باشد می‌داند؛ عالمان مسلمان از این اصطلاح، تعبیر به «مشتک معنوی» نموده‌اند. ضرورت تمیز میان «چندمعنایی» از «همنامی» در تحلیل‌های لغوی موجب شده است که زبان‌شناسان برای تفکیک آنها از یکدیگر، مطالعه «ریشه‌شناسی» واژگان مشترک را پیشنهاد کنند، با این توضیح که اگر معانی متعدد یک واژه منشأ واحدی داشته باشد، با «چندمعنایی» مواجهیم و چنانچه خاستگاه‌هایی جداگانه متصور باشد، با «همنامی» روبرو هستیم که در صورت دوم، ذیل یک مدخل قاموسی به ثبت می‌آید (Palmer, 1976, 68).

پژوهش حاضر بر آن است با عنایت به اهمیت مساله «چندمعنایی» و «همنامی» در تحلیل‌های لغوی و با استفاده از روش ریشه‌شناسی، به بررسی مشتقات ماده «عص» در قرآن کریم بپردازد و واگرایی ریشه‌های «عصو» (چوب دستی) و «عصی» (از مفاهیم حوزه گناه) و همگرایی ریشه‌های «عصی» و «عض» (گازگرفتن) را به مطالعه بگذارد. آنچه بر اهمیت این پژوهش می‌افزاید، اختلاف آرای عالمان مسلمان در اصل واژگان «عصا» و «عصیان» و بی‌اطلاعی از کیفیت ساخت آن‌ها و نیز ارتباط ریشه‌شناختی واژگان «عصی» و «عض» است که در نهایت همگرایی یا واگرایی ریشه‌ای میان آن‌ها را در بوته ای از ابهام قرار داده است.

مساله اصلی پی‌جویی ریشه‌شناسی ماده‌های «عصو» و «عصی»، نسبت ماده «عصی» و «عض» و فرایند انتقال معانی در آن‌هاست. برای تحقق هدف یاد شده، در گام نخست، مروری بر آراء عالمان مسلمان از این مفاهیم و گونه‌شناسی آن‌ها خواهیم داشت. در مرحله بعد، کوشش می‌شود با تحلیل ریشه‌شناختی، قدیمی‌ترین معنای ریشه «عص» بدست آید، سپس با مطالعه تطبیقی واژگان «عصا» (معنای چوب دستی)؛ «عصی» (از مفاهیم حوزه گناه)، «عض» (گازگرفتن) و نظایر آن در دیگر زبان‌های سامی و امکان ورود به زبان عربی را پی‌می‌جوئیم تا تحولات معنایی آن‌ها مورد بحث قرار گیرد و مولفه‌های معنایی مشترک این واژگان مشخص شود. در نهایت بر پایه زبان‌شناسی تاریخی، شواهدی مبنی بر همگرایی یا واگرایی ریشه‌ای میان کاربردهای ماده «عص» در قرآن کریم ارائه شود.

1. Homonymy

2. Semantics

۳. همنامی، حاصل واژگان «هم آوا- هم نویسی» است که بر معانی متعدد و نامرتبط دلالت دارد (Saeed, 2009, p 63- 64)

4. Polysemy

مبنای این مطالعه، استفاده از «معناشناسی در زمانی» و «ریشه‌شناسی واژگان» است که روش‌های رایج در مطالعات «زبان‌شناسی تاریخی» هستند. «معناشناسی تاریخی»^۵ می‌تواند با مطالعه تحول معنایی یک واژه در گذر زمان، امکان بروز تغییرات معنایی همچون «توسعه» و «تضییق» دامن، «ارتقاء» یا «تنزل» معنایی و پذیرش معنای مجازی یا استعاری را مورد ارزیابی قرار دهد (رک: صفوی، ۱۳۸۷، ۱۹۵؛ پاکتچی، ۱۳۸۹، ۷۶). درباره پیشینه پژوهش باید گفت، گرینچه چند پژوهش پیرامون معنای «عصی»، «عصیان» و «معصیت» به انجام رسیده است، اما تاکنون تحقیقی مشتمل بر مبادی فوق و روش ریشه‌شناختی به تحریر درنیامده است. گام آغازین برای رسیدن به این مطلوب، گونه‌شناسی نظرات عالمان مسلمان درباره ریشه‌های «عصو» و «عصی» است:

۱. گونه‌شناسی نظرات لغویان و مفسران

عین و صاد دو حرف صحیح‌اند که دو حرف معتل (و) و (ی) در ترکیب با آن‌ها، دو طیف کاربرد را رقم می‌زند. غالب لغویان از متقدم تا معاصر، «عصو» و «عصی» را دو ریشه دانسته‌اند که به دو طیف معنایی متباین دلالت می‌کنند (خلیل بن أحمد، ۱۴۱۰، ۱۹۷/۲؛ ازهری، بی تا، ۵۰/۳؛ صاحب ابن عباد؛ ۱۴۱۴، ۱۰۷/۲؛ مصطفوی، ۱۴۳۰، ۱۸۹/۸). طیف نخست ریشه «عصو» با محوریت واژه «عصا» به معنای «چوب دستی»، که معنای اصلی «اجتماع و ائتلاف» به آن نسبت داده شده است و طیف دوم ریشه «عصی»، با محوریت «عصیان»، معنایی مرتبط با حوزه معنایی گناه که معنای «عدم تبعیت و اطاعت» به آن نسبت داده شده است.

در این بخش به دنبال نسبت برقرار شده میان «عصو» و «عصی» در آثار عالمان لغت هستیم. در این راستا کوشش می‌شود آراء مختلف کاویده شود و طبقه‌بندی از داده‌های لغوی ارائه شود که مبنایی برای نقد و ارزیابی نیز باشد. مرور بر آثار عالمان مسلمان نشان از آن دارد که ماده «عص» در قرآن کریم در دو ساخت «عصو» و «عصی»، بر دو معنای مختلف دلالت دارد که برخی گرایش به پیوند این دو ریشه داشته‌اند.

نخست باید از ساخت «عصا یعصوا» یاد کرد که دو معنای «چوب دستی» و «اجتماع و ائتلاف» به آن نسبت داده شده و با انتقال معنایی^۶، ساخت‌های متعدد با معنای مجازی و استعاری از آن ایجاد شده و دو معنای «چوب دستی» و یا «اجتماع و ائتلاف» را می‌توان در آن‌ها پی‌جویی نمود. کاربرد اسمی از این گونه: عَصَا (عَصَوَان و عَصِيّ و عَصِيّ) به معنای «چوب دستی» است و در ساخت مفرد، به «عصا» معنای «اجتماع» نیز نسبت داده شده است. کاربردهای فعلی از این گونه، «عَصِيّ يَعَصِيّ؛ عصا یعصو» برای ضربه زدن با عصا یا شمشیر به کار رفته است. کتب لغت متقدم، معنای اصلی «عصا» را «اجتماع و ائتلاف» عنوان نموده و وجه تسمیه «عصا» به چوب دستی را «اجتماع انگشتان بر روی آن» شمرده‌اند. (خلیل بن أحمد، ۱۴۱۰، ۱۹۷/۲؛ ازهری، بی تا، ۵۰/۳؛ ابن درید، ۱۹۸۸، ۱۰۷۶/۲) از گونه اول، تنها ساخت اسمی «عصا» و جمع آن «عَصِيّ» منحصر در معنای «چوب دستی» در قرآن کاربرد یافته است.

گونه دوم، ساخت «عصی یعصی عصیانا معصیه»، با محوریت واژه «عصی» در کتب لغت به معنای «عدم تبعیت و اطاعت»، «مخالفت» و «نافرمانی» است. (خلیل بن أحمد، ۱۴۱۰، ۱۹۸-۱۹۷/۲؛ ابن درید، ۱۹۸۸، ۱۲۶۶/۳؛ ازهری، بی تا، ۵۰/۳؛ جوهری، ۱۴۰۷، ۲۴۲۹/۶). از کاربردهای اسمی این طیف، «عاصی» بچه شتری است که از مادر خود «تبعیت» نمی‌کند و از اینجا به فرد گناهکار نیز عاصی گفته می‌شود. «عصیان»، خلاف اطاعت است و عبارت «عصی العبد ره»، یعنی بنده امر خدا را مخالفت کرد. «عِرْقُ عاصٍ» «به رگی گفته می‌شود که خون‌اش قطع نمی‌شود»^۷ (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۶۷/۱۵). معنای «اشتد» به برخی کاربردها از این ماده، مانند باب «استفعال» نسبت داده شده است^۸ و «فلان یعص الريح»، زمانی است که کسی مخالف

5. Historical semantics

6. Transition

^۷. گویا از انقطاع خونی که از آن خواسته شده تبعیت نمی‌کند

^۸. «استعصی علیه الشیء» به «اشتد» معنا شده است

باد حرکت کند (ازهری، بی تا، ۵۱/۳). از این طیف، ۳۰ کاربرد در پنج ساخت «عَصَى، يَعْصِي، عَصِيَان، عَصِيًّا و مَعْصِيَةً» در آیات قرآن کریم وجود دارد. لغویان و مفسران در بحث از نسبت میان ماده «عصو» با محوریت واژه «عصا» و معنای «اجتماع کردن» با «عصی» به معنای «مخالفت، عدم اطاعت و تبعیت و نافرمانی» راه های گوناگونی در پیش گرفته اند:

۱-۱. عدم ارتباط میان ریشه‌های عصو و عصی

عده‌ای از صاحب‌نظران هرگونه ارتباط میان «عصو» و «عصی» را انکار می‌کنند. عالمان لغت، معانی فوق را در عرض هم و ذیل یک مدخل (خلیل بن أحمد، ۱۴۱۰، ۲/۱۹۸-۱۹۷؛ ازهری، بی تا، ۵۰/۳) و یا دو مدخل (ابن درید، ۱۹۸۸، ۲/۱۰۷۶؛ ابن درید، ۱۹۸۸، ۳/۱۲۶۶) به ثبت رسانده، بدون این که یکی را نسبت به دیگری اصیل بدانند و در باب اشتراک لفظی یا معنوی، سکوت کرده‌اند؛ «عصو» و «عصی» در کتب ایشان به دو طیف معنای متباین دلالت می‌کنند (نیز رک: صاحب ابن عباد؛ ۱۴۱۴، ۲/۱۰۷، مصطفوی، ۱۴۳۰، ۸/۱۸۹).

طبق نظر برخی از لغت‌شناسان متاخر، «عصی» در معنای «مخالفت و نافرمانی» واژه با اصالت عربی و بدون سبقه در زبان‌های سامی است. کتاب «فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی»، تنها «عصا» به معنای چوب دستی را واژه‌ای دارای سابقه در زبان‌های سامی دانسته که از زبان‌هایی همچون عبری به زبان عربی راه یافته است و در مقابل از ساخت «عصی و عصیان» در زبان‌های سامی یاد نمی‌کند که مشخص می‌شود آن را واژه‌ای با اصالت عربی قلمداد کرده است. مصطفوی نیز در «التحقیق» بر این نظر است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ۸/۱۹۴). این دیدگاه که مشهور میان لغویان است، منتهی به وقوع اشتراک لفظی میان ساخت‌های عصو و عصی می‌شود.

۱-۲. ارتباط میان ریشه‌های عصو و عصی

در کتب متقدمان لغت، ارتباطی میان معنای «ترک تبعیت» در «عصی» با «معنای چوب دستی» در «عصا» نمی‌توان پی‌جویی کرد، اما برخی متأخران به دنبال وجه معنایی (بناء واحد) در دو ریشه «عصو» و «عصی» بوده و آن دو را به نوعی با هم مرتبط ساخته‌اند. ابن فارس اولین کسی است که «عصو» و «عصی» را به ترتیب با معنای «اجتماع» و «تفرقه» در شمار اضداد جای داده است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۳۴)، نظری که هیچ سابقه‌ای در کتب لغت پیش از او ندارد. برخی لغت‌شناسان نیز با اعتقاد به وقوع «اشتراک معنوی»، گونه اول یعنی «عصا» را معنای اصیل این ماده در نظر گرفته و «عصی» را به گونه‌ای به آن پیوند داده‌اند. راغب در مفردات، «عصو» (چوب دستی) و «عصی» (نافرمانی) را این گونه مرتبط کرده است: «عَصَى، عَصِيَانًا وقتی است که کسی از اطاعت و فرمانبری خارج شود و اصلش این است که با داشتن عصایش قوی شود». (راغب اصفهانی، ۱۴۰۷، ۵۷۰)

در عرض این دیدگاه باید از نظر «قاموس قرآن» یاد کرد که قائل به اصالت معنای «عصا» است، اما کیفیت اشتقاق «عصی» را به شکل دیگری مطرح ساخته است؛ او «عصی» را خروج از طاعت می‌داند که اصل آن از تمناع بوسیله «عصا» است! مصطفوی نیز در التحقیق با وجود اشاره به اصیل بودن ساخت عصی و دخیل بودن «عصو»، با بیانی دیگر به ارتباط معنایی بین این دو ریشه اشاره کرده است؛ وی «عصا» در معنای چوب دستی را مظهر «عصیان» و اخذ «عصا» را برای جبران عصیان موجود در بدن و دفع آن دانسته است! (مصطفوی، ۱۴۳۰، ۸/۱۹۴)

تلاش این دسته از کتب لغت بر جمع میان ریشه عصو و عصی، موجب تلاش تکلف‌آمیز در بیان ارتباط میان آن دو شده که به نظر می‌رسد بدلائیل عدم تحقیق در تبار واژه، اصرار بر جمع معانی ذیل یک معنای واحد و بی‌توجهی به امکان وجود «اشتراک لفظی» است. برای داوری میان نظرات لغویان بایست به ریشه‌شناسی پرداخت، آن‌گاه مشخص می‌شود که وجه معنایی ایشان نه در زبان‌شناسی سامی تأییدی دارد، نه در کاربردهای قرآنی، بلکه زاییده نوآوری لغویانی است که سعی کرده‌اند از تمامی کاربردهای ماده «عصی» یک وجه جامع استخراج کنند. ریشه‌شناسی روش شایانی برای در امان ماندن از توجیه و تخیل در

ارتباط میان واژگان و نیز ارزیابی و پالایش تحلیل لغویان است. گام دوم تحقیق، مراجعه به معاجم زبان‌های آفروآسیایی و سامی باستان و تلاش برای استخراج معانی در این زبان‌هاست.

۲. گردآوری و دسته‌بندی داده‌های واژه‌شناختی

نخست معانی عص و همزادهای آن در دیگر زبان‌های سامی گردآوری شده است. در راستای گردآوری جامع و دقیق از این ریشه، سعی در استفاده از همه زیرشاخه‌های زبان سامی شده است؛ به عبارت دیگر در ذیل هر یک از زیر شاخه‌های چهارگانه، نمونه‌زبانی انتخاب گردیده و معانی مورد نظر استخراج شده‌اند. از زیر شاخه سامی شمال حاشیه‌ای، زبان اکدی (آشوری)؛ از زیرشاخه شمال مرکزی، زبان عبری، آرامی و سریانی و از زیر شاخه سامی جنوب حاشیه‌ای، زبان حبشی کهن «گعز، الجعزیه» محور قرار گرفته است.^۹ در جداول ذیل همه واژگان موجود در زبان‌های نام برده از ریشه دو حرفی عص به همراه معانی آن‌ها ذکر شده است.

۲-۱. زبان حامی-سامی باستان

کتابی که به عنوان منبع اصلی جهت استخراج معانی «عص» در زبان‌های آفروآسیایی (نیای زبان‌های سامی)، مربوط به ۱۰ هزار تا ۱۲ هزار سال پیش در نظر گرفته شده، کتاب «Hamito-Semitic Ethimological Dictionary» از «V. E. & Stolbova, Olga V» است. از آنجا که مدخل‌های کتاب حاضر به صورت ثنایی تدوین شده، همه معانی در ذیل مدخل «عص» ملاحظه و در جدول ذیل با ذکر صفحه کتاب آمده است.

جدول شماره ۱

ردیف	زبان	واژه	آوانگاری	معنا	صفحه
۱	نوستراتیک ^{۱۰}	𐎧𐎡𐎴		بوته، جنگل آفروآسیایی: *𐎧𐎡𐎴- درخت	Dolpołosky, p93
۲	آفروآسیایی	𐤒𐤕	ʕch	درخت -مشتقات -سامی: 𐤒𐤕 -اکدی: 𐤒𐤕, 𐤒𐤕𐤕 (عصو/عصو) -عبری: 𐤒𐤕 (عص) -حبشی: 𐤒𐤕 (عض) -عربی: 𐤒𐤕-at- عضاه: نوعی درخت خاردار	Orel, p 234
۳	آفروآسیایی	𐎧𐎡𐎴	ʕch	غاز گرفتن و دندان گرفتن -مشتقات: -سامی: *𐎧𐎡𐎴- عص -عربی: 𐤒𐤕 عضّ	Orel, p 234

^۹ . برای توضیح بیشتر درباره زبان‌های نام برده رک: ولفنسون، تاریخ اللغات السامیه، ۱۹۲۹.

^{۱۰} . زبان نوستراتیک باستان (Proto Nostratic) ابرخانواده زبانی پیشنهادی است که بسیاری از خانواده‌های زبانی از جمله آفروآسیایی، هندواروپایی، آلتایی، اورالی، و... ذیل آن قرار می‌گیرند و به نوعی نیای مشترک تمام آن‌ها به شمار می‌رود. طبق این فرضیه که حاصل مطالعه زبان‌شناسی با رویکرد تاریخی- تطبیقی است، در زمانی بسیار کهن، حدوداً بین ۱۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ سال پیش از میلاد- در دوره فراپارینه سنگی و نزدیک به آخرین دوره یخبندان- به آن تکلم می‌شده است. برای توضیحات بیشتر نک:

Orel, p 234	استخوان (bone) - مشتقات در سامی: عربی: «عظم» / عبری (עֶצֶם) آرامی (עֲמָ) / حبشی (עֻም)	عجم (عظم)	אָעם	آفروآسیایی	۴
-------------	--	-----------	------	------------	---

۲-۲. زبان عبری

کتابی که به عنوان منبع اصلی جهت استخراج معانی «عص» در زبان عبری به عنوان زیرشاخه زبان‌های سامی شمال مرکزی انتخاب شده کتاب «A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament» از «Gesenius, W» است. در جدول ذیل معانی موجود در مدخل «عص» در کتاب مذکور آمده است:

جدول شماره ۲

ردیف	زبان	واژه	آوانگاری	معنا	صفحه
۱	عبری	עֶצֶה	عصه ۱۱	بستن چشم و درب معادل غَض عربی	Gesenius, p781
۲	عبری	עֶצֶה	عصه ۲	درخت، چوب، چوبی معادل غِضه و عضیه و عضاهه عربی	Gesenius, p781
۳	عبری	עֶצֶה	عصه ۳	استخوان دم، استخوان پا، ستون فقرات معادل عَصَا و عُصص عربی	Gesenius, p782
۴	عبری	עֶצֶה	عصه ۴	معادل غُضیاء (سرزمین پوشیده از نوعی خار به نام غُضَا)	Gesenius, p782
۵	عبری	אֶצֶים pl.		تیر چوبی (beam)	Jastrow,v1, p99
۶	عبری	עֶצֶם I.	عصم ۱	استخوان (معادل «عظم و عظام» در عربی)	Orel, p 234
۷		עֶצֶם ۲	عصم ۲	بستن چشم / در عبری و آرامی (معادل «غمض» در عربی)	Gesenius, p782

^{۱۱} . هاء پایانی کلمات عبری به منزله حروف عله در عربی است

Gesenius, p783	دفاع، حفظ (معادل «عصم» در عربی)	عصم ۳	עצם III.	۸
Gesenius, p783	مهار کردن (Restrain)؛ حفظ نگه داشتن (Retian)؛ کنترل	عصر	עצר	۹
Gesenius, p783	جمع شدن، اجتماع	عصی	עצרת, עצרה	۱۰

۳-۲. زبان آرامی

کتابی که به عنوان منبع اصلی جهت استخراج معانی عص در زبان آرامی به عنوان زیرشاخه زبان‌های سامی شمال مرکزی انتخاب شده کتاب «A Dictionary of the Targumim, the Talmud Babli and Yerushalmi and the Midrashic literature» از «Jastrow, Marcus» است.

جدول شماره ۳

ردیف	زبان	واژه	آوانگاری	معنا	صفحه
۱	آرامی	עָצָא, עָצָא	اعا/اع	چوب، چوبی عصا	Leslau, 57
۲	آرامی	עָצָא, עָצָא, עָצָא	عصه عصا (عص) عصی	۱. فشار دادن، (کوفتن) (to press)، به زور و فشار جا دادن، ظلم و تعدی کردن (to oppress)، نگه داشتن (withhold) و منع و دریغ کردن ۲. سخت و محکم بودن (to be hard)، خشک بودن (dry)	Jastrow, v p1102 2,
۳	آرامی	עָצָא	عصیا	نگه داشتن، دریغ و منع کردن (withhold)	Jastrow, v p1102 2,
۴	آرامی	עָצָא	عصم	۱. فشار دادن، بستن چشم ۲. سخت و فشرده بودن (در اثر فشار لایه) ۳. کسب کردن	Jastrow, v p1102 2,
۵	آرامی	עָצָא, עָצָא, עָצָא		۱. بسته بودن ۲. لجوج و یکدنده بودن در برابر دیگری ۳. به یکدیگر روحیه و قدرت دادن	Jastrow, v p1102 2,
۶	آرامی	עָצָא	عصم	[قوت و قدرت و استحکام] استخوان جوهر، ماده معادل «عظم» عربی	Jastrow, v p1103 2,
۷	آرامی	עָצָא, עָצָא		نام گیاهی خاردار	Jastrow, v p1103 2,

۴-۲. زبان سریانی

کتابی که به عنوان منبع اصلی جهت استخراج معانی ماده «عص» در زبان سریانی به عنوان زیرشاخه زبان‌های سامی شمال مرکزی انتخاب شده کتاب «Dictionnaire syriaque- français» از «Costaz, L» است. لازم به ذکر است که معنای ۱۲ به بعد در جدول از کتاب «Dictionarium Syriaco-Latinum» از «J. Brun . S. J» است.

جدول شماره ۴

ردیف	واژه در زبان سریانی	آوانگاری	معنا	صفحه
۱	ܢܥܘܠ ܕܚܝ ^۱	عص ۱	وادار، اجبار و اصرار کردن (to comple) حرکت (voyelle)	Costaz, p 260
۲	ܚܘܠܐ ^۲	عص ۲	وادار کردن، اجبار و اصرار کردن	Costaz, p 260
۳	ܚܪܐ ^۱	عصا ۱	فشار آوردن بر (کوفتن) (presser)، اجبار و اصرار کردن (to comple, to urge)، پایداری و مقاومت کردن (مخالفت کردن) (resister، خودداری کردن (retenir)، حفظ و نگه داشتن، دریغ و منع کردن، فریفتن (غبن)، قلع چشم	Costaz, p 260
۴	ܚܪܡܐ ^۱		عنید	Costaz, p 260
۵	ܚܪܐ ^۱	عصا	اجبار، وجوب، مقاومت	Costaz, p 260
۶	ܚܪܡܐ ^۱		مشاجره	Costaz, p 260
۷	ܚܪܡܐ ^۱		قهر (by force)	Costaz, p 260
۸	ܚܪܡܐ ^۱		شورش و عصیان (revolt)	Costaz, p 260
۹	ܚܪܡܐ ^۲	عصی ۲	اجبار و اصرار کردن، مقاومت کردن، تمرد و عصیان و شورش کردن (revolt)، معارضة و مخالفت کردن، رد کردن (refuser)، قلع و درآوردن چشم، ربودن. عضّ الشّیء: آنرا چنگ زد و ربود	Costaz, p 260
۱۰	ܐܚܥܝܐ ^۳	اعصی ۳	ظلم و تعدی کردن (جار علی)، مقاومت کردن	Costaz, p 260
۱۱	ܢܬܬܥܝܐ ^۱ ܐܚܥܝܐ ^۱	أعص ۱ (معادل «استعصی» عربی): به معنای «اشتدّ»	To press (شدّ) to oppress (ظلم) to comple (اجبر) ضروری، واجب	Costaz, 11
	ܐܚܥܝܐ ^۱		ظلم	
	ܐܚܥܝܐ ^۲	اعص ۲	عذب to torment، اجبر to comple	
۱۲	ܚܪܐ ^۱ ܢܬܬܥܝܐ ^۱		اجبار و اصرار کردن، فشار آوردن	Brun, p 464
۱۳	ܚܪܐ ^۱		مقاومت کردن، شورش، سرکشی Resist, repugnavit, rebellis fuit	Brun, p 464

Brun,p 464	Animam meam cogo: Mihi vim infero Cogere potest	عَصَى، عصا	ḫā : ḫāma , ḫā ḫā	۱۴
Brun,p 464	Resist, repugnavit مقاومت	اعصى	Ethpeel ḫāma	۱۵
Brun,p 464	Resist ,rebellis fuit مقاومت کردن، شورش و سرکشی		ḫāma pael	۱۶
Brun,p 464	Oppressus est, Resist ظلم، مقاومت		ḫāma Ethpeel	۱۵
Brun,p 464	Resist مقاومت		ḫāma Aphel	۱۶
Brun,p 464	Rebellion,pervicacia عصیان		ḫāma	۱۷
Brun,p 464	Compressit, obduruit	عَصَّ	ḫā	۱۸
Brun,p 464	Ursit,اصرار,coegit	عَصَصَ	ḫā	۱۹
Brun,p 464	Pressit, oppressit,expressit	عصر	ḫā	۲۰
Brun,p 464	expressio عصاره		ḫā	۲۱

۵-۲. زبان حبشی

کتابی که به عنوان منبع اصلی جهت استخراج معانی در زبان حبشی به عنوان زیرشاخه زبان های سامی جنوبی انتخاب شده کتاب «Comparative dictionary of Geez (classical Ethiopic)» از «Leslau, W» است.

جدول شماره ۵

ردیف	زبان	واژه	آوانگاری	معنا	صفحه
۱	حبشی	ḫā ḫā	ḫā I (yaḫsu) عصو ۱ ḫā	عصو ۱: بستن ، بستن و پایین انداختن چشم، بهم زدن، قفل کردن، متوقف کردن معادل «غض» عربی	Leslau, 75
۲	حبشی	ḫā	ḫā II (yaḫsu) عصو ۲	عصو ۲: جدا کردن ^{۱۲}	Leslau, 75
۳	حبشی	ḫā i ḫā	ḫā, ḫāda, ḫāda عَصَّ عَصَّ عَصَصَ	محروم و بی بهره (deprive) صدمه دیدن (cause harm) هتاک و توهین (affront) اشتباه کردن (do wrong)	Leslau, 58

^{۱۲} . مولف، این معنا را نیز به عصو ۱ بازگردانده است (Leslau, 1987, p 58)

	ربودن بزور (take away by force, rob) خشک شدن (become desert) خرابی و ویرانی (desolation)، ضایع و هدر (waste)، بیابان (desert, wilderness) معادل «عصّ» عربی	عَصَّ بنابر نظر Dillmann مرتبط است با دو ریشه عربی ¹³			
Leslau, 57	هم معنا با	عَصَّ		حبشی	۴
Leslau, 57	درخت، چوب، عصا، درختچه (بوته)، چوب نیزه، ستون های خانه (در صورت جمع)	عَصَّ ا (جمع: عَصَاو، عَصَاوَه)		حبشی	
Leslau, 57	درخت، درختچه، بوته	عَصَّه		حبشی	۵
Leslau, 57	درخت شدن (become tree)	عَصَّ عصاوه		حبشی	۶
Leslau, 57	درختان بزرگ خاردار درخت	عصه عَصَه		عربی	۷
Leslau, 57	woodwork	عَص		عربی جنوبی	۸
Leslau, 57	درخت، چوب	عَص		عبری	۹
Leslau, 57	چوب، عصا ولفسون، ص ۲۹۰	اعا		آرامی	۱۰
Leslau, 57	چوب، عصا ولفسون، ص ۲۹۰	عَصو		اکدی	۱۱
Leslau, 57	درخت، چوب گیاه گل	عَصَاوَه عصاوه		زبان های اتیوپیایی: تیگره، تیگرینیا، امهری و...	۱۲

۶-۲. زبان عربی

در رابطه با زیرشاخه سامی جنوبی مرکزی نیز اگرچه منابع مکتوبی در دسترس نیست، لکن با عنایت به قدمت تاریخی معاجم لغت عربی در دسترس (خصوصاً پنج قرن نخست)، در استخراج معانی ریشه عصی و هم خانواده های آن استفاده شده است. با توجه به تبدیلات واجی درون زبان های سامی در جدول ذیل معانی موجود در مدخل های مربوط به «عصو/عصی/عصی/عصّ» آمده است:

جدول شماره ۶

ردیف	زبان	واژه	معنا
۱	عربی	عصا (عَصَوَان، عَصِيّ، عَصِيّ)	عصا (چوب دستی)
۲	عربی	عصا	اجتماع و ائتلاف

¹³. اولاً: مرتبط با «عَصَّ» عربی به معنای کاهش یافتن و خرد شدن (lessen, diminish) است؛ ثانیاً: مرتبط با «عَصَّ» عربی به معنای «سخت شدن» ریشه ای که می تواند معنای حبشی بیابان را توضیح دهد. همچنین برای معنای «ربودن با زور»، رک: عربی: «عَصَّ» به معنای فشردن با دندان و گزیدن

۳	عربی	عَصَى یَعَصَى؛ عصا یعصوا عصوا	ضربه زدن با عصا یا شمشیر/ اجتماع
۴	عربی	عَصَى یَعَصِیْا عَصِیَانَا معصیه عصیا	«عدم تبعیت»؛ «عدم اطاعت» و «نافرمانی»
۵	عربی	عَضَّ عَضُض	بستن و پایین انداختن چشم/ کاهش دادن
۶	عربی	عَضَّ	گاز گرفتن با دندان، فشار دادن
۷	عربی	عِصَّةٌ، عِصَاهُ، عِصَاهُ، الْعِصَّ	درخت خاردار بزرگ (ما عِظْم و اشدت شوکه)
۸	عربی	عِصْیَاء، عِصَا (غَضِی)	سرزمین پوشیده از نوعی خار به نام غضا (غضی)
۹	عربی	الْعِصَّ	عَلَفُ الْأَمْصَارِ (نوعی علف)
۱۰	عربی	عَضُوض	شدید/ زَمَنٌ عَضُوضٌ: خشکسالی و قحطی/ تَعَضُّوضٌ: نوعی خرما که جویدنش سخت است
۱۱	عربی	عِصَاض	آنچه با دندان گزیده و سپس خورده شود / درخت که تنومند شده باشد
۱۲	عربی	مِعِصَّ	مبالغه و سختگیر در کار

۳. ریشه‌شناسی / فرایند ساخت «عصا» به معنای چوب دستی

تنوع اقوال لغوی درباره «عصا، عصو» به معنای چوب دستی و ارتباط آن با «عَصِی، عصیان» شاهی بر آن است که راه حل، منحصر به کاویدن زبان عربی نیست و ریشه‌شناسی می‌تواند به یافتن پاسخ کمک کند. کوشش در جهت یافتن منشأ «عصا» نشان از قدمت این ریشه و تباری سامی آن دارد. ماده ثنائی «عَص» در زبان آفروآسیایی باستان به معنای «درخت»، برگرفته از ʿāṣ زبان نوستراتیک است (Dolpolosky, 2008, 93). در انتقال به سامی باستان، با تبدیل واج «چ موکد» به واج «ص»، این ماده ثنائی، به ʿaṣ (عَص) تبدیل شده است (orel, 1994, 252).^{۱۴} قواعد تبدیلات واجی در زبان‌های سامی نشان می‌دهد، واج «چ موکد» آفروآسیایی در اکثر زبان‌های سامی شمالی مانند اکدی، عبری، اوگاریتی و پونی به واج «ص» و در زبان‌های سامی جنوبی، مانند عربی و حبشی به واج «ض» تبدیل و منشأ ساخت دو ماده «عص» و «عض» و مشتقات آن، به معنای درخت، چوب، چوب عصا و معانی مرتبط در زبان‌های سامی شده است.

بنابر آنچه گفته شد ریشه فوق با اندکی تغییر، در بیشتر زبان‌های سامی از قدیمی‌ترین زبان‌های شمالی مانند اکدی تا زبان‌های جنوب حاشیه ای مانند حبشی دیده می‌شود.^{۱۵} این ماده در زبان‌های سامی شمالی حاشیه ای در اکدی (آشوری) با صورت‌های iṣu , iṣṣu (عصو و عَصَو)، در اوگاریتی ʿṣ (عص)، در آرامی ʿṣ (عَص)، در عبری עֶשֶׂה (عصه) و زبان‌های سامی جنوبی حاشیه ای مانند حبشی ʿed (عض) در معانی درخت و چوب و نیز چوب دستی (عصا) است (Leslau, 1987, 58; orel, 1994, 252). در زبان عربی جنوب شرقی، ʿd (عض) به معنای چوب و چوب کاری و در زبان عربی «عِصَّةٌ، عِصَاهُ، عِصْه» درخت و یا نوعی درخت خاردار است (مشکور، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۵۶۹). تبدیلات واجی نشان می‌دهد ساخت «عصا» با واج «ص» در معنای «چوب دستی» بایست از زبان‌های سامی شمالی (احتمالاً عبری) به زبان عربی ورود پیدا کرده باشد.

جدول شماره ۷

سیر تحولات واژه «عصا» به معنای «چوب دستی» از زبان آفروآسیایی باستان تا زبان عربی

^{۱۴} این ریشه علاوه بر زبان‌های سامی در زبان چادی غربی به معنای گونه ای درخت است (اورل، ۲۵۲؛ زامیت، ۲۸۹؛ مشکور، ص ۵۶۹).
^{۱۵} تفاوت حرف پایانی در عصو، عص، عضه، به مشترک دانستن ریشه آنها خللی وارد نمی‌سازد؛ زیرا این نکته به اثبات رسیده است که زبان‌های سامی، بن ثنائی - و نه ثلاثی - داشته‌اند و در گذر زمان، حرف یا حرفی به عنوان آوند بدان افزوده شده است (O'Leary, 1923, 176-177).
^{۱۶} متناظر واج «ع» عربی، واج «همزه» در آرامی است و متناظر «ض» عربی، واج «ع» در آرامی است. (orel, 1994, p xix)

ترتیب زمانی	زبان	ریشه واژه	معنا
۱	آفروآسیایی باستان	ʿuḫ	درخت
۲	سامی	عص / اعا / عصو / عض / عِصّ	درخت، چوب، چوب دستی
۳	عربی	عَصَة عَصَاهُ، عَصِه عَص عصا / عَصَى، عصو	درخت خاردار درخت خاردار بزرگ، مغیلان درخت خاردار چوب دستی

۴. ریشه‌شناسی / فرایند ساخت «عصی» به معنای «نافرمانی؛ عدم اطاعت و تبعیت» در زبان عربی

ساخت «عصی» و مشتقات آن مانند «عصیان» به معنای «عدم اطاعت و تبعیت» و «نافرمانی» در عربی، از جمله مواردی است که جستجو برای یافتن هم زادهای آن در زبان آفروآسیایی و سامی چندان مقرون به توفیق نیست. هیچ یک از عالمان مسلمان از پیشینه «عصی» در این معنا در زبان‌های سامی و چگونگی ساخت آن سخنی نگفته و حتی گاه ریشه دار بودن آن در زبان‌های سامی را انکار کرده‌اند (مصطفوی، ۱۴۳۰، ۸/ ۱۹۴).

سامی‌شناسان نیز تنها از ماده ثنائی آفرو آسیایی «ʿaḫ» (عَج) به معنی «گاز گرفتن و دندان گرفتن» یاد کرده‌اند که در عربی با تبدیل واج «چ» موکد به واج «ض» و نیز فرایند تضاعف^{۱۷} به ماده «dd» «عَص»^{۱۸} و در دیگر زبان‌های سامی به «ʿaḫ» «عَص» در همین معنا تبدیل شده است.^{۱۹} (orel, 1994, p 233).

با وجود آن که بنابر نتایج ریشه‌شناسی، ریشه آفروآسیایی «ʿaḫ» (عَج) بایست در کاربردهای سامی با صورت «عص» به معنی «گاز گرفتن و دندان گرفتن» باقی مانده باشد، اما ریشه‌شناسی نشان داد، این معنا تنها در ساخت عربی «عَص» باقی مانده و در دیگر زبان‌های سامی، اثری از معنای «گاز گرفتن و دندان گرفتن» یافت نمی‌شود. از طرفی ماده «عص» و مشتقات و متناظرهای آن، حضور پرسامدی در تمامی زبان‌های سامی از جمله عربی دارند. عدم وجود ریشه متناظر برای «عص» و مشتقات و متناظرهای آن در نیای زبان‌های سامی^{۲۰} و نیز وجود مولفه «شدت و فشار» در تمامی آن‌ها، حکایت از وجود ریشه مشترک دارد. با توجه به شواهد پیش گفته، این فرضیه مطرح می‌شود که ماده «عص» و متناظرهای آن مانند «عض»^{۲۱} در زبان سامی مادر (سامی باستان) از معنای «گاز گرفتن و دندان گرفتن» با توسعه معنایی به مطلق «فشار دادن» با مولفه‌های اصلی «فشار» و «شدت» منتقل شده، سپس با حفظ مولفه‌های پیش گفته در زبان‌های مختلف سامی، انواع تغییرات صوری و معنایی را یافته و به معانی همچون «فشار آوردن»، «سخت و محکم شدن»، «اجبار و اصرار کردن»، «بستن» و نظایر آن منتقل شده است. ساخت «عصی» به معنای «مقاومت و مخالفت کردن» از جمله این معانی است.

17. Gemination

^{۱۸} «عَص» در آیات به معنای «فشاردن و گاز گرفتن با دندان» دو کاربرد دارد. (فرقان، ۲۷؛ آل عمران، ۱۱۹)

^{۱۹} این ماده در زبان چادی غربی به دو معنای گاز گرفتن و خوردن آمده است و در زبان مصری هم ریشه دارد. (orel, 1994, p 233).

^{۲۰} تمامی ریشه‌های ممکن و متناظر برای «عص» سامی در زبان آفروآسیایی بررسی شد، نتیجه آن که در زبان‌های سامی «عص» با دو مولفه «شدت و فشار»، ریشه‌ای جز «ʿaḫ» به معنی «گاز گرفتن و دندان گرفتن» نمی‌تواند داشته باشد.

^{۲۱} حرف ضاد در میان شش حرف اضافی خط عربی، شرایط ویژه‌ای در مقایسه با هم خانواده‌های خود در زبان‌های سامی دارد. هیچ واجی به اندازه ض در زبان‌های سامی دچار سیالیت نیست؛ به گونه‌ای که ضاد را می‌توان رکورد دار متغیرترین و بی‌ثبات‌ترین واج دانست و تغییرات آن در زبان سامی را در هفت مجموعه متناظر می‌توان دسته‌بندی نمود. شواهد زیادی نشان می‌دهد در آغاز عربی کلاسیک ض درست تلفظ نمی‌شده است. در قرن ۴ و ۵ کتابهای متعددی تحت عنوان الفرق بین ضاد و الظاء نوشته شده است و در درون دنیای عرب زبانان هم در مورد ض اضطراب وجود داشته است. انتقال ض به عربی از زبان نیا و نیز زبان‌های سامی، مستقیم و بدون حلقه واسطه نمی‌تواند باشد و در کلمات دارای ضاد باید به دنبال این مساله گشت که این واج در مسیر انتقال خود چه تحولاتی طی کرده است (رک: پاکتچی، ۱۳۹۲، ص ۳۱-۳۲)

بنابر قواعد تبدیلات واجی، واج «چ موکد» آفروآسیایی، در انتقال به سامی به دو واج «ص» و «ض» تبدیل می‌شود. همچنین واج «ع» آفروآسیایی در انتقال به سامی، در واج های «ع» و «غ» قابل پیگیری است (Orel, 1994, p. XiX). علاوه بر تبدیلات متنوع واجی، تبدیل ریشه ثنائی «عص» به ثلاثی، موجب پدید آمدن کلماتی در زبان‌های مختلف سامی شده که با داشتن حروفی مانند «عص، عض، غص» اشتراک لفظی و یا معنوی دارند. برای نمونه، این تبدیلات موجب شده «عصی» در زبان عبری، ۴ معنای متفاوت معادل واژگان «غَصَّ»، «غَضَه»، «عَصَا و عصص» و «غَضِیاء» در زبان عربی داشته باشد.^{۲۲} به دلایل پیش گفته، گاه یک صورت صرفی واحد از هم زادهای «عص» در زبان‌های مختلف سامی، معانی متفاوتی دارد؛ نیز صورت های مختلف صرفی، گاه معنایی واحد یافته اند. برای نمونه «عصر» و «عصاره» در عربی و سریانی به معنای «فشردن» و معادل ساخت **ܥܨܪ** (عصی) در زبان آرامی است.

ریشه‌شناسی نشان می‌دهد، ساخت «عصی، عصیان» با معنای «مقاومت و مخالفت کردن» نیز در نتیجه اشتقاقیات ماده «عص» در دو زبان سریانی و عربی است؛ اما تبدیلات پیچیده صوری و واجی ماده آفروآسیایی **ʿaḥ** در زبان‌های سامی باعث شده، تبیین فرایند ساخت «عصی» در معنای «مقاومت و مخالفت کردن» در زبان عربی دارای حلقه مفقوده ای باشد که خوشبختانه با دستاوردهای ریشه‌شناسی، می‌توان این حلقه مفقوده را در زبان سریانی جستجو کرد.

ماده «عص» به معنای «گاز گرفتن و فشار دادن» علاوه بر مولفه «فشار»، دو مولفه دیگر «شدت»، «سخت و محکم شدن» را نیز داراست. ازهری درباره «عَصَا» می‌نویسد: «هنگامی است که چیزی سخت (اشدّ) و محکم (صلب) شود» (ازهری، بی تا، ج ۳، ص ۵۲) این دو مولفه در زبان‌های سریانی و عربی، زمینه ایجاد ساخت‌های «عصی» و «عصیان» را فراهم کرده است؛ به این صورت که دو مولفه «شدت» و «سختی»، با انتقال معنایی به «مقاومت و خودداری کردن» و از آنجا به «سرباز زدن» و «مخالفت» تبدیل شده و «عصیان»، معنای «تمرد» و «شورش» را یافته است. «عصی یعنی عصیان»، نوعی مقاومت و سخت‌شدگی در برابر یک چیز است که به عدم پذیرش و مخالفت با آن ختم می‌شود. سیر انتقال معنایی از مطلق فشار آوردن تا «مقاومت و مخالفت و سپس تمرد در عصیان، به روشنی در ماده **ܥܪܐ** و **ܥܪܡܐ** سریانی قابل پی‌جویی است (Gostaz, 2002, 260)؛ Brun, 1895, 463-464. عصی، «مقاومت و مخالفت» و «نافرمانی» است و در آیات قرآن در هم‌نشینی با لفظ «امر»، در کاربردها به معنای «مقاومت در برابر امر مافوق» است.

بنابراین، «عص» در زبان‌های سامی که منشا ساخت «عصی، عصیان» عربی است، خود حاصل تبدیلات واجی ماده آفروآسیایی **ʿaḥ** است؛ این ریشه ارتباط معنایی با ساخت «عصا، عصو» که حاصل ماده **ܥܨܐ** «عص» سامی به معنای «چوب و عصا» است ندارد و این دو ساخت در حقیقت مشترک لفظی هستند.

جدول شماره ۸

سیر تحولات ساخت «عصی» به معنای «مخالفت و تمرد کردن» از آفروآسیایی باستان تا سریانی و عربی

ترتیب زمانی	زبان	ریشه واژه	معنا
۱	آفروآسیایی باستان	ʿaḥ (عج)	گاز گرفتن و به دندان گرفتن
۲	سامی باستان	ʿaf (عص)	فشار آوردن و شدت و سختی

^{۲۲} عص ۱ به معنای بستن چشم که معادل «غَصَّ» عربی است. عص ۲، به معنای درخت، چوب و عصا که معادل «غَضَه و عضه» و عضه عربی است. عص ۳، به معنای استخوان پشت و ستون فقرات که معادل «عَصَا» و «عصص» عربی است. عص ۴، معادل «غَضِیاء» (سرزمین پوشیده از نوعی خار به نام غَضَا) در عربی است. (Gesenius, p. 781-783)

۴	سریانی	حُرَا ^۱	فشار آوردن (کوفتن) (presser)، اجبار و اصرار کردن (to comple, to urge)، پایداری و مقاومت کردن (مخالفت کردن) (resister)، خودداری کردن (retenir)،
۵	سریانی	حُرَا	اجبار، وجوب، مقاومت
۶	سریانی	حُرْمَا	عصیان
۷	سریانی	حُرْمَا ^۲	اجبر، قاوم، تمرد، عارض، رفض
۸	عربی	عَصِي، يَعْصِي، عَصِيَان	مخالفت با امر، عدم تبعیت، تمرد

۵. نگاهی به ریشه آفروآسیایی ^{ač} و نظایر آن در زبان‌های سامی

برخی لغویان متقدم درباره ماده «عص» و متناظرها به نکات مهمی اشاره کرده‌اند که موید نتایج ریشه‌شناسی است. ابن فارس درباره «عَص» می‌نویسد: «عین و ضاد، ریشه واحدی است که بر نگه داشتن چیزی با دندان دلالت دارد، سپس برای هر آنچه مشابه بوده گفته شده تا آنجا که درباره هر چیز شدید و سختی (صَلَب) گفته می‌شود». ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۴۸. ازهری نیز شدت (اشتد) و سختی (صلب) را دو مولفه اصلی «عَصَا» می‌داند (ازهری، بی تا، ج ۳، ص ۵۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص: ۶۷).

مشتقات اسمی و فعلی متعددی در زبان‌های مختلف سامی وجود دارد که همگی ریشه در ماده آفروآسیایی ^{ač} به معنای «گاز گرفتن و به دندان گرفتن» دارند. این ماده ثنائی با تبدیلات واجی در انتقال به زبان‌های سامی به ماده‌های «عص» و «عض» و هم زاده‌ها تبدیل و منشاء ساخت واژگان مختلفی شده است که سه مولفه محوری «فشردگی»، «شدت» و «سختی» را دارا هستند. تبدیل ریشه ثنائی به ثلاثی در انتقال به زبان‌های سامی، با انواع روش‌های مرسوم در صرف این زبان‌ها همچون تضاعف^{۲۳} در همخوان دوم، تکرار^{۲۴}، افزوده شدن حروف عله و افزوده شدن واژه سازهاست.^{۲۵}

برخی روش‌های تبدیل ثنائی ^{ač} به ثلاثی، روش‌های فرمال و غیرمعنایی است؛ برای نمونه، با «تضاعف» در واج دوم، ماده «عَصَا» و با «تکرار»، ماده «عَصَص» پدید آمده است. «عَصَص» در زبان‌های شمالی از جمله شاخه کنعانی (زبان عبری) به معنای «استخوان دُم» و در شاخه آرامی (زبان سریانی) و زبان آشوری به معنای «ستون فقرات و تیره پشت» است. (مشکور، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۵۶۷؛ Gesenius, 1995, 782). هم زاده‌ها با همین معانی را در زبان عربی نیز می‌توان یافت. ساخت‌های «عَصَّ» و «عَصَا» در زبان سریانی، به معنای سخت و محکم شدن است که به روشنی مولفه‌های فشردگی و شدت در آن وجود دارد.

علاوه بر این، شاهد برخی «روش‌های معنایی» در تبدیل ماده ثنائی ^{ač} به ثلاثی هستیم که افزوده شدن واژه سازها به ریشه ثنائی «عص» است. با اضافه شدن پس ساز^{۲۶} «ر» به این ماده ثنائی، ریشه «عصر» پدید آمده که با دو معنا در زبان‌های سامی شمالی کاربرد گسترده‌ای دارد. ریشه «عصر» در زبان کنعانی قدیم معنای «بازداشته شدن»، در زبان‌های عبری، آشوری و آرامی معنای «منع و جلوگیری کردن» و در زبان سریانی معنای «فشردن» را دارد (مشکور، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۵۶۸؛ Gesenius, 1995, p 782; Jastrow, 1950, p 260). معنای «فشردن» را در ساخت‌های عربی اعصار (بقره، ۲۲۶) و معصرات (نبا، ۱۴)

²³ . Gemination

²⁴ .Redublication

²⁵ .formatives

²⁶ .Informatives

نیز می‌توان دید^{۲۷} که از ریشه آفروآسیایی ^{ca}باقی مانده است. با افزوده شدن پس ساز «ف» به ماده ثنائی «عص»، ساخت‌های «عصف» و «عاصف»^{۲۸} ساخته شده که بنابر نظر لغویان «شدت» مولفه محوری آن است.^{۲۹} (ازهری، بی تا، ج ۲، ص: ۲۷؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص: ۷)

بر پایه «عص» عربی به معنای «گاز گرفتن و به دندان گرفتن»، مشتقات متعدد مجازی و استعاری با دو مولفه «شدت و سختی» ایجاد شده است. «رجلٌ مُعَصّ» کسی است که در کارش مبالغه و سختگیری می‌کند. «زَمَنٌ عَصُوزٌ» خشکسالی (و قحطی) است. «تَعَصُوزٌ»: نوعی خرماس است که جویدن اش سخت است و «مُلْكٌ عَصُوزٌ» به معنای شدید است. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۷، ص ۵۷۱)

مشاهده می‌شود که در ساخت‌های ریشه ثنائی «عص» و متناظرهای آن در زبان‌های سامی، مولفه‌های «فشردگی»، «شدت»، «سختی و محکم شدن» دیده می‌شود که دو معنای آخر فرع بر معنای اول است. تعدد ساخت‌ها و معانی موجود در زبان عربی از ماده «عص» و متناظرهای آن نشان می‌دهد، این زبان با توجه به ظرفیت تبدیلات واجی گوناگون (مانند وجود واج «ض» در این زبان) و نیز بهره از ساخت‌های مختلف صرفی، بیشترین فراوانی از «عص» و متناظرهای آن را در میان زبان‌های سامی داراست. با تطبیق معانی بدست آمده از فرهنگ لغات زبان‌های سامی، می‌توان موارد اشتراک معانی ساخت‌های ماده «عص» و همزادهای آن را استخراج نمود و در قالب جدول زیر ارائه داد:

جدول شماره ۹

همزادهای ریشه آفروآسیایی ^{ca}در زبان‌های سامی

معنای محوری	کلمه و زبان
۱. گاز گرفتن (مولفه شدت و فشار)	«عص» سامی باستان/ «عَصّ» عربی
۲. سخت و محکم شدن (اشدد) خشک شدن (مولفه شدت و سختی)	عصّ، عضّ، عضوض، مُعَصّ، عصف و... عربی عضّ حبشی/ عصی و عصا آرامی اعص ۱ سریانی (شدّ، ظلم، اجبر)
۳. بستن (چشم و در) (مولفه فشار)	غَصّ و غمض عربی عص ۱ عبری/ عصم آرامی/ عَصو حبشی
۴. فشار آوردن، اجبار، به زور جا دادن (مولفه شدت و فشار)	عص و عصی آرامی عص، عصّ و عصا ۱ سریانی
۳. فشار دادن، عصاره (مولفه شدت و فشار)	عصر و عصاره در عربی و سریانی
۴. اجبار و اصرار کردن، مقاومت کردن، تمرّد، شورش و عصیان کردن (revolt)، معارضه و مخالفت، رد کردن (مولفه‌های فشار، شدت، سختی)	عصی ۲ و عصیان سریانی
۵. مقاومت و مخالفت کردن، تمرّد، شورش (مولفه‌های فشار، شدت، سختی)	عصی ۲ و عصیان سریانی/ عصی و عصیان عربی
۶. ظلم کردن (شدّ، ظلم، اجبر)	عص، عصی، عصا آرامی/ اعص ۱ سریانی

^{۲۷}. جالب آن که ریشه شناسی نشان می‌دهد «عصر» به معنای زمان در زبان عربی، ریشه در واژه آفروآسیایی ^{ca}دارد و در میان زبان‌های سامی، تنها در عربی کاربرد یافته است (اورل، ۲۳۳)، اما «عصر» به معنای فشردن در زبان‌های سامی مختلفی وجود دارد و حاصل اضافه شدن پس ساز ^{car}«ر» به ماده ثنائی «عص» با مولفه فشردگی است.

^{۲۸}. عاصف «باد شدید و طوفانی» است که در قرآن نیز کاربرد دارد (یونس، ۲۲؛ مرسلات، ۲)

^{۲۹}. برخی لغویان مولفه موجود در این ماده را به اشتباه «سرعت» دانسته اند (خلیل بن أحمد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص: ۳۰۷)

«استعصى» عربی (به معنای «آشتد»)	(مولفه شدت و فشار)
اعتصم عربی / عضّ و عضض در حبشی / عصی ۲ سریانی	۷. چنگ زدن و ربودن (مولفه شدت)
عصم عربی / عصم و عصر عبری / عص، عصی، عصا آرامی، عصیا آرامی / عصا سریانی	۸. نگه داشتن و حفظ، منع و دفاع (مولفه شدت)
عُصص عربی / عص ۳ عبری	۹. استخوان (مولفه شدت)
غضض عربی / عضّ حبشی	۱۰. کاهش دادن / محرومیت، هدر

۶. نقد مولفه‌های معنایی لغویان در ماده «عصا، عصو»

مطابق نظر لغویان متقدم و با استناد به سخن ابو عبید، «اجتماع و ائتلاف» به عنوان معنای اصلی در ریشه «عصو» و کلمه «عصا» مطرح شده است (خلیل بن أحمد، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۹۷؛ ازهری، بی تا، ج ۳، ص ۵۰؛ صاحب ابن عباد؛ ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۰۷)؛ برخی لغویان از جمله ابن فارس، حتی «عصا» به معنای چوب دستی را (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص: ۳۳۵) به این معنا بازگردانده اند. اما نتایج ریشه‌شناسی، نافی وجود معنای «اجتماع و ائتلاف» در ریشه آفرو ^{uḥ} به معنای درخت و نیز مشتقات آن است، اما با توجه به کاربرد معنای «اجتماع» در ساخت «عصی» در زبان عبری (Gesenius, 1995, 782)، این معنا ریشه در ماده آفرو آسیایی ^{aḥ} با مولفه‌های شدت و فشردگی دارد.

۷. نقد مولفه‌های معنایی لغویان در ماده «عصی»

از معانی مورد اشاره لغویان در ساخت «عصی، عصیان»، «عدم تبعیت و اطاعت»، «نافرمانی» و مولفه‌های «شدت و سختی»^{۳۰} مورد تایید ریشه‌شناسی است. اما ریشه‌شناسی، نافی نظر ابن فارس در وجود معنای «تفرقه و جدایی» در ماده «عصی، عصیان» است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۳۶-۳۳۵)؛ به نظر می‌رسد این معنا نتیجه و فرع بر معنای «نافرمانی» است و در مراحل بعد از «عصیان» بروز می‌کند.

تحلیل نهایی

این پژوهش با مراجعه به گزارش عالمان مسلمان، خصوصا کتب لغت متقدم (از قرن دوم تا پایان قرن پنجم) و نیز به کارگیری داده‌های زبان‌شناسی تاریخی، دو ریشه «عصو» و «عصی» را به بحث گزارد و کوشید، واگرایی ریشه‌ای این دو مفهوم و همگرایی دو ریشه «عصی» و «عضّ» را نشان دهد. واژگانی که امروزه در زبان عربی وجود دارند، از فرایند قواعد صرفی تاریخی و نیز تحولات آوایی عبور کرده‌اند، از سوی دیگر همه گویش‌ها و لهجه‌ها بایکدیگر تجمیع شده‌اند؛ در نتیجه چه بسا با واژگانی برخورد کنیم که از نظر قواعد صرفی تاریخی یک واژه محسوب می‌شوند ولی با نگاه صرف کنونی، دو گونه متفاوت از هم تلقی می‌گردند. به عبارتی باید گفت در کتب فرهنگ لغات عربی، صرفا واژه‌های تولید شده نهایی به ثبت رسیده است و مباحث ریشه‌شناسی قادر است وجوه ناپیدای ارتباط واژگان را بیان دارد.

ریشه‌یابی واژگان می‌تواند زبان‌شناس را از وقوع اشتراک لفظی آگاه کرده، او را از گرفتار آمدن در دام مشابهت‌های صوری و یافتن ارتباط معنایی نادرست رهایی بخشد. این روش قادر است روابط معنایی واژه چندمعنا (مشترک معنوی) را که پیش از این

۳۰. معنای «صَلَبَ» و «آشتد» در کلام لغویان در ماده ثنائی عص و مشتقات آن، با توجه به نتایج ریشه‌شناسی، ثابت است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۶۸). مولفه شدت و سخت و معنای سخت‌گیری و انعطاف ناپذیری است. که در اشعار نیز به آن اشاره شده است «عَلِقَ الْفُؤَادُ بِرَبِّی الْجَهْلُ، فَأَبْرَ وَ اسْتَعْصَى عَلَی الْأَهْلِ» (عسکری، ۱۴۰۰، ص ۲۲۴). از میان مفسران، علامه طباطبایی به این مولفه اشاره نموده و «عصیان» در لغت را به معنای «عدم انفعال» و یا به «سختی تاثیر پذیرفتن» می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۳۷).

نادیده گرفته می‌شده توضیح دهد و یا کشف حلقه های زنجیره معنا سازی، فرایند ساخت معانی را به بحث گذارد. (پاکتچی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۹۲)

با توجه به قرائن، «عصو» و «عصی»، دو ریشه با سابقه در زبان آفروآسیایی باستان و زبان‌های سامی هستند. عصو ریشه در ماده ثنائی «*üç*» به معنای «درخت» و «عصی» ریشه در ماده ثنائی «*ca*» به معنای «گاز گرفتن» و به دندان گرفتن» در زبان آفروآسیایی باستان دارند که اولی موجب ساخت معانی مختلفی همچون درخت، چوب و عصا شده است و دومی با مولفه‌های معنایی «فشردگی»، «شدت» و «سختی»، کاربرد گسترده‌ای در ساخت واژگان متناظر در زبان‌های سامی دارد. با توجه به ظرفیت تبدیلات واجی و نیز بهره از ساخت‌های مختلف صرفی، زبان عربی در مقایسه با سایر زبان‌های سامی، دارای بیشترین فراوانی از ساخت‌های «عص» و متناظرهاست.

با توجه به قواعد تبدیلات واجی در زبان‌های سامی، ماده ثنائی «*üç*» به معنای درخت و نیز ماده ثنائی «*ca*» آفروآسیایی در انتقال به زبان‌های سامی به صورت‌های «عص»، «عض» و «غض» کاربرد یافته اند. تحولات در انتقال به زبان‌های سامی موجب پدید آمدن اشتراک لفظی میان «عص» و متناظرهای آن به معنای «درخت» با «عص» و متناظرهای آن به معنای «گاز گرفتن» و فشار دادن» شده است؛ برخی عالمان لغت، این دو را مشترک معنوی پنداشته و برای برقراری ارتباط معنایی میان آن‌ها تلاش نموده‌اند که با استناد به نتایج ریشه‌شناسی نظر ایشان مورد نقد قرار گرفت.

درباره «عصی و عصیان» باید گفت ماده ثنائی «*ca*» در انتقال به زبان عربی با تلفیق معنایی^{۳۱}، با صورت «عض» در معنای «گاز گرفتن و فشار دادن» و با صورت «عصی» در معنای «مقاومت کردن و سرباز زدن» و «نافرمانی» و شورش ذخیره شده است؛ در نتیجه می‌توان به نوعی «جداسازی لفظ و معنا»^{۳۲} در روند انتقال این معنا به زبان عربی اشاره کرد. روند انتقال معنا از «عصی» با مولفه‌های «شدت» و «سختی» به معنای «مقاومت کردن و نافرمانی» به روشنی در زبان سریانی وجود دارد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. آخوندخراسانی، محمد کاظم (۱۴۲۷ق)، کفایه الاصول، به کوشش سامی الخفاجی، قم: دارالحکمه
۳. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸)، جمهره اللغة بیروت: دار العلم للملایین.
۴. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دارصادر.
۵. اخوان طبسی، محمدحسین؛ میرحسینی، یحیی؛ ریشه‌شناسی تاریخی واژگان و اثر آن بر فهم مفردات قرآن کریم؛ مطالعه موردی ریشه «قسط»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، دوره ۴، شماره ۲، بهار ۱۳۹۵.
۶. ازهری، محمد بن احمد (بی‌تا)، تهذیب اللغة، قاهره: الدار المصریه للتألیف و الترجمة.
۷. صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴)، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الكتب.
۸. پاکتچی، احمد (۱۳۹۲)، به کوشش مرتضی سلمان نژاد، تاملاتی در مباحث فرهنگ اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)
۹. پاکتچی، احمد، ۱۳۸۶، «درس گفتار معناشناسی و قرآن» دوره کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۰. پاکتچی، احمد و شیرزاد، محمد حسین و شیرزاد، محمدحسن، چندمعنایی ماده نذر در قرآن کریم، تحلیلی زبان‌شناختی بر همگرایی ریشه‌ای میان «نذر» و «انذار»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.

Blending.^{۳۱}

^{۳۲} «change split» نوعی جداسازی دو تلفظ از یک ریشه (واژه) از نظر معنایی است؛ به صورتی که هر کدام به حوزه معنایی متفاوت را بتوان اختصاص داد. نمونه‌های متعددی را در زبان عربی می‌توان پیجویی نمود که در معانی واژگان آن‌ها این جداسازی صورت گرفته است. برای نمونه «غضم» و «خضم» هر دو تلفظ یک واژه به معنای جویدن هستند؛ ولی «خضم» به «جویدن با صدای خرت خرت» اشاره دارد و «غضم» به «جویدن بی صدا» گفته می‌شود. اگر چه این جابجایی نوعی «تغییر گویشی» محسوب می‌شود (خضاعه و قضاعه)، اما زمانی که منجر به «تغییر در معنا» می‌گردد، باید شاهد «جداسازی معنایی» بود. (پاکتچی، احمد، ۱۳۸۶، ص ۱۰)

۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷)، الصحاح فی اللغة، بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۲. خلیل بن احمد (۱۴۱۰)، کتاب العین، قم: هجرت.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
۱۴. صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴)، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الكتب.
۱۵. صدر، محمدباقر، (۱۴۲۸)، الحلقات (الحلقه الثانيه). همراه با شرح سیدکمال حیدری، به کوشش شیخ علاء قاسم، قم، دار فراق.
۱۶. صفوی، کورش (۱۳۸۷)، درآمدی بر معناشناسی، تهران: سوره مهر.
۱۷. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۸. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰)، الفروق فی اللغة، بیروت: دار الافاق الجدیدة.
۱۹. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران، دار الكتب الاسلامیه.
۲۰. مشکور، محمود جواد (۱۳۵۷)، فرهنگ تطبیقی عربی با زبان های سامی و ایرانی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۲۱. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، دار الكتب العلمیه.
۲۲. ملاعبدالله یزدی (۱۴۲۸ ق)، حاشیه علی التهذیب، به کوشش سید مصطفی حسینی یزدی، قم: دارالتفسیر.
۲۳. ولفنسون، اسرائیل (۱۹۲۹)، تاریخ اللغات السامیه، بیروت، انتشارات دارالقلم.

- کتابنامه لاتین

1. Gesenius, W. (1955), *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*, Oxford, Oxford University Press.
2. J.Brun . S. J, *Dictionarium Syriaco-Latinum*.
3. Costaz, L,(1984), *Dictionnaire syriaque- français*, Beirut: Dar El-Machreq.
4. Dolpolosky, (2008), *Nostratics Dictionary*, Cambridge, Mc Donald institute for Arcaelological Reaserch.
5. Jastrow, M. (1950) *A Dictionary of the Targumim, the Talmud Babli and Yerushalmi and the Midrashic literature*. New York: Pardes Publishing House
6. Leslau, W, (1987) *Comparative dictionary of Geez (classical Ethiopic)*. Wiesbaden: Otto Harrassowitz.
7. Lipinski,Edward. "Sin", in *Encyclopedia Judaica*, Skolink Fred (editor in chief), Michael Berenbaum, second edition, Macmillan Reference USA.
8. O'Leary, De Lacy, *Comparative Grammar of the Semitic Languages*, London: Kegan Paul, Trench, Trubner and New York: Dutton, 1923
9. Orel , V.E. & Stolbova, Olga V, (1994) *Hamito-Semitic Ethimological Dictionary: Material for a reconstruction*. Leiden: EJ. Brill.
10. Palmer, F.R, (1976), *Semantics: A New Outline*, Cambridge: Cambridge University Press.
11. Saeed, John,(2009), *Semantics*, Hobocen: Wiley Blackwell.